

خبرها

فیلم کارگردان سرشناس منتقدان جشنواره کن را دو دسته کرد

بخش فرهنگی– فیلم درامی درباره جنگ جهانی دوم که توسط ترنس مالیک کارگردان آمریکایی ساخته شده به یکی از بحث‌برانگیزترین پیش‌نمایش‌های فستیوال فیلم کن ۲۰۱۹ بدل شده است. نمایش فیلم «یک زندگی پنهان» ساخته ترنس مالیک که در جشنواره کن امسال در بخش رقابتی به نمایش درآمد منتقدان را به دو دسته تقسیم کرده است. شماری از منتقدان می‌گویند این کارگردان یک استاد سینماست که در اوج کارش قرار دارد و دیگران می‌گویند این فیلمی ضعیف است.

«یک زندگی پنهان» درباره مردی اتریشی است که نمی‌پذیرد برای لمان نازی بجنگد.این فیلم امسال یکی از کاندیداهای دریافت جایزه طلای کن است و این در حالی است که مالیک سال ۲۰۱۱ با فیلم «درخت زندگی» یک بار نخل طلا را برده است. داستان این فیلم در منطقه برفی کوه‌های آلپ آغاز می‌شود و بعد تبدیل به درامی می‌شود که داستانش در یک زندان به وقوع می‌پیوندد. تقریباً تمام منتقدان از آن به خاطر فیلمبرداری فوق‌العاده‌اش تجلیل کرده‌اند و گفته‌اند فیلم به زیبایی توانسته پس‌زمینه‌های طبیعی و لحظه‌های صمیمی خانواده‌گی را به تصویر بکشد.

آگوست دپل که نقش شخصیت اصلی داستان را بازی می‌کند در کنفرانس خبری جشنواره گفت: مالیک طی کل مراحل فیلمبرداری به ما آزادی بسیاری داد و در عین حال زاویه‌ها و لنزهای بسیار گسترده‌ای را انتخاب کرد که اجازه می‌داد کل صحنه را در اختیار داشته باشد. اما مالیک که از حضور در مجامع عمومی خودداری می‌کند و در پیش‌نمایش فرش قرمز فیلمش و رخدادهای هم حاضر نبود، تقریباً در تمام موارد دیگر باعث اختلاف نظر منتقدان شده است. بعضی از منتقدان گفتند این فیلم نتوانست به اندازه کافی وارد عمق انگیزه‌های قهرمانش بشود.

تاد مک کارتی از هالیوود ریپورتر نوشت: به جای پرداختن به اجزای سنگین اخلاقی، مذهبی و سیاسی داستان، مالیک توجه خود را به مسائل دیگر جلب کرده و این‌ها را کم‌رنگ کرده است. اما وراپتی از فیلم به عنوان بازگشتی حماسی به فرم قبلی یاد کرد و در تحسین فیلم نوشت: این فیلم توانسته به عنوان اکتشافی در باورهای شخصی، نمایشی بسیار خوب به مخاطب ارائه کند. مالیک یکی از رقیبای کونتینن تارانتینو است که با فیلم درام پرستاره‌اش «روزی روزگاری در هالیوود» بازگشته است. از دیگر چهره‌های اصلی رقابت امسال فیلم نیمه‌انیموبیوگرافیکی پدرو آلمادوار یعنی «درد و شکوه» است.

●●●●●

«هشتگ» عید فطر به شبکه نمایش خانگی می‌آید

بخش فرهنگی– محمدهلی کیانی تهیه‌کننده فیلم سینمایی «هشتگ» از عرضه این فیلم در شبکه نمایش خانگی همزمان با عید فطر خبر داد. محمدهلی کیانی تهیه‌کنند سینما درباره جدیدترین فعالیت‌های خود گفت: قرار است همزمان با عید فطر فیلم سینمایی «هشتگ» به کارگردانی رحیم بهبودی‌فر توسط شرکت هنرنامه‌ی پارسپن به شبکه نمایش خانگی بیاید ضمن اینکه در حال حاضر مشغول تکمیل فیلم سینمایی «تیولا» به کارگردانی رحیم بهبودی‌فر هستیم و فکر می‌کنم بتوانیم آن را در مهرماه کلید بزنیم. وی افزود: با توجه به اینکه در حال حاضر شرایط اقتصادی مساعد نیست ما در حال برآورد هزینه‌های این فیلم کم‌دی هم هستیم چراکه طبق پیش‌بینی‌ها می‌توانیم هزینه‌های پروژه را خودمان بدهیم و با این وجود توانستیم بخشی از سرمایه‌های این اثر را تامین کنیم و مشغول رایزنی برای تامین بخش دیگر آن هستیم.

کیانی با اشاره به دیگر فعالیت‌هایش عنوان کرد: حدود ۲۴ سال می‌شد که تا تاتاری با نام «پتیمان» شروع به کارگردانی سیدجواد هاشمی روی صحنه می‌پردیم اما امسال شرایط آن کار فراهم نشد و در حال حاضر به جای آن نمایش «مردی در آینه» به کارگردانی علی سلیمانی روی صحنه است که من این موضوع تاسف می‌خورم زیرا چند سالی می‌شد که من در نقش این ملجم در نمایش سیدجواد هاشمی حضور داشتم اما امسال نتوانستم در این تئاتر باشم و قدمی برای امیرالمومنین بردام.

●●●●●

کتاب نویسنده ایرانی در آمریکا بار دیگر جنجال‌ساز شد

بخش فرهنگی – جامعه یهودیان آمریکا به قرار گرفتن کتاب کودک، گلبرگ باشی نویسنده و ناشر ایرانی مقیم آمریکا تحت عنوان «ف مثل فلسطین» در قفسه‌های کتابخانه محلی نیوجرسی اعتراض کردند. یهودیان ایالت نیوجرسی آمریکا با اعتراضات خود، ورود کتاب کودک گلبرگ باشی، نویسنده ایرانی، تحت عنوان «ف مثل فلسطین» را به قفسه‌های کتابخانه دولتی منطقه هایلند نیوجرسی به تأخیر انداختند. موضوع کتاب دباشی که درباره فلسطین است خشم یهودیان آن منطقه را برانگیخته و در تلاش‌اند تا آن کتاب را که به زعم آن‌ها معرف فرهنگ فلسطینی است، در دشمنی با یهود است از کتابخانه‌های متعلق فرجه‌آوری کنند. با این همه اداره کتابخانه محلی منطقه گفته است که حذف کتاب از قفسه‌های کتابخانه، منوط به اخذ تصمیم نهایی از سوی هیئت امانات.

دباشی کتاب «ف مثل فلسطین» را با همکاری گلرخ نفیسی، تصویرگر مطرح ایرانی منتشر کرده و تصاویر کتاب همراه با توضیحات درباره فعالیت فلسطینی‌ها در بازی‌تا آشنبری و اعتراضاتشان است. در این کتاب حروف الفبای زبان انگلیسی با کلماتی چون فلسطین،انتفاضه و بیت لحم توضیح داده شده‌اند. یک خاخام اسرائیلی به شبکه ای‌بی‌سی نیویورک اعلام کرد که این کتاب آموزش کینه‌توزی و نفرت از یهودیان است، از میزان اهمیت و عظمت فلسطینی‌ها می‌گوید و به آن‌ها می‌آموزد که قتل بی‌هدف واجب است. یهودیان منطقه به کلمه انتفاضه که مूलود در کتاب به کار برده واکنش تند نشان داده و آن را یهودستیزانه دانسته‌اند. خانم باشی هم در پاسخ به شبکه تلویزیونی آمریکایی گفته است که انتفاضه به معنای مقاومت است. او در ادامه اشاره کرد که موضوع این کتاب درباره افتخار و غرور است و همه هیچ عنوان ترویج خشونت نیست. دباشی پس از انتشار این کتاب در سال ۲۰۱۷ بارها از سوی صهیونیست‌های مقیم آمریکا تهدید به مرگ شده بود و حتی کتاب‌فروشی‌هایی که این کتاب را به فروش می‌رساندند بایکوت و تهدید شده بودند. کنفرانوشی مستقل بوک کلچر در نیویورک هم برای فروش این کتاب مجبور به غدرخواهی شد. با این همه کتاب پس از انتشار با استقبال خوبی در آمریکا روبه‌رو شد و همه دو هزار نسخه چاپ اول آن در کم‌تر از یک ماه به فروش رسید.

گلبرگ باشی نویسنده ایرانی متولد اهواز و استاد ایران‌شناسی دانشگاه رانگنر در آمریکا است. او همسر حمید دباشی، پژوهشگر و استاد دانشگاه کلمبیا است.

{ فرهنگ و هنر }

فیلم‌ها و سریال‌های شاخص درباره خرمشهر و آزادسازی این شهر

از دوئل تا خاک سرخ

مهدی درستی

سوم خرداد، روز فراموش نشدنی در تاریخ ایران زمین است… روزی که مام وطن بار دیگر فرزند از دست دادهاش، خرمشهر را در آغوش گرفت.آزادسازی خرمشهر جدای از اهمیت نظامی و سیاسی که داشت، تجلی واقعی از شور و شوق زندگی در بین مردم است، مردمی که سختی کم نکشیدند اما کم نیاوردند و ایستادند تا بخشی از هویت و تاریخچه‌شان را که به اسارت یعنی‌ها درآمده بود پس بگیرند. اینچنین است که سوم خرداد در تقویم ایران با همه روزها فرق می‌کند و می‌درخشد. حال سی و هفتمین سال هم از آن روز فرخنده گذشت، در طی این سال‌ها تلاش‌های زیادی برای یادآوری دلآورمردان خرمشهر صورت گرفته است. در واقع عظمت و بزرگی این رویداد دستمایه ساخت فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی مختلف قرار گرفته است و می‌گیرد اما آنچه هنوز جای خالی‌اش احساس می‌شود نبود یک فیلم یا مجموعه‌ای تلویزیونی است که به طور کامل همه زوایای اشغال و فتح خرمشهر را به تصویر بکشد تا برای آیندگان بماند و بداندند که در کاشان چه گذشت. به همین مناسبت و در سی و هفتمین سالگرد آزادسازی خرمشهر بر شاخص‌ترین فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی که درباره این رویداد ساخته شده است، مروری داشته‌ایم.

در طول این سال‌ها کارگردانان بسیاری به ساخت فیلم یا سریالی درباره خرمشهر پرداخته‌اند اما تنها یک کارگردان است که سه فیلم ماندگار از اتفاقات این شهر و آزادسازی‌اش ساخته است، احمدرضا درویش. او در این زمینه با سه فیلم «کیما»، «سرزمین خورشید» و «دوئل» رکورددار است اما نخستین فیلم درباره این رویداد از او کارگردان دیگری ساخته است که دیگر در بین ما نیست، رسول ملاقلی‌پور.

بلمی به سوی ساحل، نخستین فیلم سینمایی درباره خرمشهر

«بلمی به سوی ساحل» به کارگردانی رسول ملاقلی‌پور که از فیلسازان مطرح سینمای دفاع مقدس به شمار می‌آید در سال ۶۴ که هنوز جنگ به پایان نرسیده بود، ساخته شد. فیلمی که یادآور فداکاری و دلآوری‌های رزمندگان و اهالی خرمشهر است.

ملاقلی‌پور که در زمان محاصره خرمشهر به عنوان عکاس در مناطق جنگی حضور داشت، در این فیلم به کارشکنی‌های بنی‌صدر در جنگ می‌پردازد و داستان گردان تکاوران سیاه را روایت می‌کند که برای کمک به مدافعان بنا دارند راهی خرمشهر شوند اما به دلیل مسدود کردن راه‌های ارتباطی توسط نیروهای بعثی، تصمیم می‌گیرند با هلی کوپتر خود را به این شهر برسانند اما دولت اجازه این کار را نمی‌دهد و این گردان به ناچار با بلمی خود را به مدافعان شهر می‌رساند.

این فیلم که دومین ساخته سینمایی ملاقلی‌پور پس از «تینوا» به شمار می‌آید، صحنه‌های جنگی و دراماتی‌اک را به شکلی به تصویر کشیده است که مخاطب از همان نیمه نخست فیلم با شخصیت‌های همذات‌پنداری کرده و تا پایان و لحظه شهادت هم‌راشان می‌ماند. خسرو ضیایی، عطاءالله سلمانیان، بهزاد بهزادپور، جعفر دهقان، فرید کشن‌فلاح و اکبر منصور فلاح بازیگرانی بودند که در «بلمی به سوی ساحل» به ایفای نقش پرداختند.

حرم مهرورزی، پرداختی اجتماعی درباره فتح خرمشهر

تازه یک سال از ساخت نخستین فیلم سینمایی درباره فتح خرمشهر گذشته بود که ناصر غلامرضایی دست به کار شد و فیلم «حرم مهرورزی» را با محوریت فتح خرمشهر در سال ۶۵ ساخت. فیلمی که بیشتر از آنکه تمرکز بر صحنه‌های درگیری رزمندگان با نیروی‌های بعثی عراق باشد، به پشت جبهه‌های جنگ و زندگی اجتماعی مردم این شهر توجه کرده است.

در این فیلم که به زندگی بازماندگان شهر می‌پردازد،داستان زندگی زنی به نام سربریه را می‌بینیم که همسرش را در آبادان از دست داده است و همراه با مهاجران جنگ با پدر و مادر و فرزندش در اقامتگاهی در تهران ساکن شده است، او به منظور تامین زندگی خود و بازماندگان خانواده‌اش به کار مشغول می‌شود و در این میان با یک راننده تاکسی آشنا می‌شود که پس از مرگ مادرش با هم ازدواج می‌کنند. در نهایت پایان فیلم با جشن عروسی آن‌ها در خرمشهر و همزمان با سالگرد آزادسازی این شهر همراه است. در واقع غلامرضایی با این تدبیر پایان خوشی را برای فیلمش رقم می‌زند که ناشی از آزادسازی خرمشهر هم هست اما نه تنها برای مخاطب خسته‌کننده و غیرقابل باور نیست بلکه او را هم با خود همراه می‌کند.

حبیب اسماعیلی، آفسانه بایکن، جمشید منشاخی، مه‌ری مهرپنا، امید آهنگر، نعمت‌اله گرجی و … از بازیگران این فیلم بودند که به نوعی نگاهی اجتماعی را در سینمای دفاع مقدس آغاز کرد.

کیما، داستانی مادرانه در بستر جنگ

اگر بگوییم که احمدرضا درویش سهم عمده‌ای در شناساندن شهر خرمشهر در طول جنگ داشته است، بیراه نگفته‌ایم. نخستین فیلم این کارگردان درباره خرمشهر «کیما» نام داشت که سال ۷۳ ساخته شد و از بازی ماندگار خسرو شکیبایی و بیبا فرهی بهره برد. درویش در این فیلم سعی دارد تا در میان تلخی‌ها و سختی‌های جنگ داستانی مادرانه روایت کند و مهر و عطوفت مادری را در آن شرایط حساس به تصویر بکشد. «کیما» مولودمی اجتماعی است که روایتگر داستان مردی به نام رضاست که در پنجوجه جنگ قصد دارد همسرش را برای زایمان به بیمارستان ببرد اما در همین حین به اسارت دشمن در می‌آید و همسرش هم پس از به دنیا آمدن فرزندش فوت می‌کند. او پس از ۱۰ سال از اسارت بر می‌گردد و متوجه می‌شود که فرزندش توسط یکی از پزشک‌های بیمارستانی که همسرش در آن ندهنگاری می‌شود و به دنبال او به شهر مشهد می‌رود. اما اگر بخوادیم بچه را پس بگیرد، هم زندگی خانوادگی از هم می‌پاشد و هم آینده درخشان دخترش را از او می‌گیرد. به همین دلیل از این خواسته خود صرف نظر می‌کند. این فیلم توامان دارای صحنه‌هایی جنگی و شهری است و تولد نوزاد که به نوعی کیمیاست، حاکی از ظهور نسلی جدید در ایران است که به دفاع از خاک کشورشان خواهند پرداخت. «کیما» در جشنواره سیزدهم فیلم فجر بسیار مورد توجه قرار گرفت و در نهایت چهار سیمرغ بلورین را هم به خانه برد.

سرزمین خورشید، روایتی دیگر از کیما

درویش در سال ۷۵ بار دیگر به سراغ خرمشهر می‌رود و فیلمی با نام «سرزمین خورشید» را با حال و هوایی مشابه با فیلم سینمایی «کیما» می‌سازد، فیلمی که حتی بازیگر نقش اول آن هم خسرو شکیبایی است و حتی داستان آن هم در یک بیمارستان می‌گذرد که در پنجوجه جنگ توسط ارتش عراق محاصره می‌شود و در این بین بارها مورد تهاجمات قرار می‌گیرد. «سرزمین خورشید» فیلمی شخصیت محور است زندگی چند تن از ساکنان خرمشهر می‌پردازد و قهرمان فیلم هم زنی به نام هانیه است که از مجروحان در تنها بیمارستان شهر پرستاری می‌کند. در واقع درویش در این فیلم بنا دارد تا صبر، بردباری و مقاومت زنان ایرانی را به تصویر بکشد که البته تا حدود زیادی هم در این زمینه موفق بوده است.

گلچهره سجادی، سعید پورصمیمی، محمود پاک نیت و … دیگر بازیگران اصلی هستند که این فیلم به ایفای نقش پرداختند. در «سرزمین خورشید» هم مانند «کیما» صحنه‌های جنگی و درگیری‌های نظامی باورپذیر و مخاطب پسند به تصویر درآمده است.

سفر سرخ، نخستین تجربه کارگردانی حمید فرخ‌نژاد

شاید تا به حال نام حمید فرخ‌نژاد را در مقام کارگردان نشنیده باشید که البته حق دارید چون نخستین فیلم سینمایی او بسیار مهجور مانده است. این بازیگر سینمای ایران در سال ۷۹ اولین فیلمش و تنهاترین فیلم سینمایی اش را تا به امروز با محوریت جنگ تحمیلی و به طور ویژه وضعیت خرمشهر مقابل دوربین برد. داستان این فیلم در روز سقوط خرمشهر می‌گذرد که تعدادی از نیروی‌های مردمی به همراه دو مجروح و دو پرستار و گروهی از مردم به قصد خروج از شهر به پل می‌رسند که به دست نیروهای ارتش عراق افتاده است، گروه تصمیم می‌گیرد برای نجات غیرنظامیان، جدا از آنها طی مسیر کند و در گذر از مسیرهای مختلف با ماجراهایی از جنگ درگیر می‌شوند. نخستین فیلم این بازیگر اهل آبادان به جز جشنواره فیلم فجر هیچگاه در سینماهای کشور به نمایش عمومی در نیامد، اما در همان جشنواره بیست و نهم بسیار مورد توجه قرار گرفت و دیپلم افتخاری بهترین کارگردانی و سیمرغ بلورین بهترین فیلم اول را برای او به ارمغان آورد. حبیب دهقان‌نسب، غزل صارمی، صادق صفایی، برزو ارجمند و احمد کاوری بازیگران «سفر سرخ» هستند

دوئل، تصاویری ناب از صحنه‌های جنگی برای نخستین‌بار
سومین فیلم درویش درباره خرمشهر و آزادسازی این شهر که در سال ۸۱ تولید شد، «دوئل» نام داشت. فیلمی که با استفاده از تکنیک‌های سینمایی از جمله صدای دالبی و پرده اسکوپ برای اولین بار جلوه‌ای تازه از صحنه‌های جنگی را مقابل دیدگان تماشاگران قرار داد، «دوئل» یکی از پرهزینه‌ترین فیلم‌های سینمای ایران در آن سال‌ها به شمار می‌آمد و به همین دلیل نامش بسیار بر سر زبان‌ها افتاده بود. از دیگر ویژگی‌های این فیلم بازگشت دوباره سعید راد پس از مدت‌ها به سینمای ایران بود، او در «دوئل» کنار چهره‌های دیگری چون هدیه تهرانی، پروش نظریه، پرویز پرستویی، کامبیز دبیراز و پژمان بازغی قرار گرفت.

درویش در این فیلم مسیری خلاف دو فیلم دیگر یعنی «کیما» و «سرزمین خورشید» را در پیش می‌گیرد و در کنار به تصویر کشیدن دلآورمردی‌های سربازان ایرانی، به نوعی با طرح داستانی شخصی از تلخی‌ها و مشکلات جنگ برای مردم خرمشهر در قالبی تازه می‌گوید. داستان این فیلم به طور خلاصه به این شرح است: «در پنجوجه جنگ عده‌ای تلاش می‌کنند از خروج یک گاو صندوق از کشور جلوگیری کنند. زینال، در این بین به حسن نیت آن‌ها شک کرده و سعی می‌کند گاو صندوق را از جنگ آن‌ها جدا بیاورد. گاو صندوق در اروند غرق می‌شود و زینال اسیر می‌شود. داستان فیلم ۲۰ سال بعد و پس از آزادی زینال ادامه می‌یابد و در حین درگیری برای تصاحب گاوصندوق حقایقی کهنه آشکار می‌شود.»

روز سوم، روایتی از داستانی واقعی از شرافت ایرانی

پس از گذشت چند سال، در سال ۸۵ یکی از فیلم‌های شاخص درباره آزادسازی خرمشهر روی پرده سینماها می‌رود، «روز سوم» به کارگردانی محمدحسین لطیفی. فیلمی که برگرفته از یک داستان واقعی در دوران جنگ است و با پروراندن شخصیت‌های مختلف لحظات پرتنش و دلپه‌آوری را به تصویر می‌کشد و در این بین شاخصه اصلی فیلم رشادت و شرافت ساکنان خرمشهر در مقابل رذالت بعثی‌هاست. پوریا پورسرخ، باران کوثری، حامد بهداد و برزو ارجمند از جمله بازیگران این فیلم هستند که نقش بسیار زیادی بر باورپذیرتر کردن فیلم برای مخاطبان داشتند و به خوبی هم از پس نقش‌هایشان برآمدند.

«روز سوم» داستان خواهر و برادری بود که در حساس‌ترین مقطع زندگی خود در یک خانه اسیر می‌شوند و با حاض مهین پرستی و دفاع از وطن تا آخرین قطره خون خود به جنگ ادامه می‌دهند.

در واقع لطیفی در این فیلم تا حدودی نمادگرایانه عمل کرده است و دختر فیلم (باران کوثری) نماد مام وطن است که گرفتار بیگانگان حریص و متجاوز شده است و این اتفاق دیگر هیچ بهانه‌ای را برای کوتاهی در مبارزه و مقاتله با دشمن باقی نمی‌گذارد.

کودک و فرشته، تصویری کودکانه در بستر جنگ

دیگر اثری که با محوریت آزادسازی خرمشهر در سینمای ایران ساخته و روی پرده رفت، «کودک و فرشته» به کارگردانی مسعود نقاش‌زاده در سال ۸۷ است. داستان این فیلم در آخرین روز تابستان سال ۱۳۵۹ می‌گذرد و از آنجاییکه تمام اتفاقات قصه در همان مقطع اشغال و فتح خرمشهر می‌گذرد حضور نوجوانان در روزهای اشغال و فتح خرمشهر را به خوبی به تصویر می‌کشد. ویژگی متمایز این فیلم با سایر آثار این حوزه، حضور کودکان و نوجوانان و به‌خصوص دختران نوجوان در مقاومت خرمشهر است که محور اصلی فیلم «کودک و فرشته» هم است. با این حال فضاسازی و بازیگری‌هایی این فیلم آنچنان نتوانست مخاطبان را با خود همراه کند و برایشان باورپذیر باشد.

سریال‌های شاخص درباره آزادسازی خرمشهر/ خاک سرخ حاتم‌ی کیا

با به پایان رسیدن دهه هفتاد که تب ساخت فیلم‌های جنگی داغ بود و آثار بسیاری درباره جنبه‌های مختلف دفاع مقدس روی پرده رفت، دیگر کمتر شاهد ساخت فیلم‌هایی با این مضمون در دهه ۸۰ بوده‌ایم. این در حالی‌است که تلویزیون همچنان سریال‌های شاخصی را تولید کرد که مخاطبان زیادی را هم با خود همراه کردند.

نام ابراهیم حاتم‌ی‌کیا با سینمای دفاع مقدس ایران پیوند خورده است و این ارتباط نزدیک عاملی شده است تا او در حوزه سریال‌سازی هم به سراغ قصه‌ای با همین مضمون برود. او سال ۷۹ سریالی را با محوریت اشغال خرمشهر ساخت که سال ۸۰ روی آنتن شبکه یک سیما رفت. «خاک سرخ» که در ابتدا «لیلا و جنگ» نام داشت، درباره یک زندانی سیاسی به نام ایرج است که با پیروزی انقلاب آزاد می‌شود، او هنگام دستگیری دخترش لیلا را گم می‌کند و همواره در ذهنش به دنبال او می‌گردد. از سوی دیگر هم‌زمان با شروع جنگ لیلا در تهران در آستانه برگزاری مراسم عروسی‌اش قرار دارد اما به یکباره او متوجه می‌شود که پدر و مادر واقعی‌اش در خرمشهر زندگی می‌کنند و به دنبال آنها می‌رود، اما این جست‌وجو هم‌زمان با ویرانی خرمشهر و مهاجرت خانواده لیلا از این شهر همراه می‌شود اما سرانجام او خانواده اش را در حالی می‌یابد که پدرش به اسارت درآمده است. پرویز پرستویی، مهتاب کرامتی، لاله اسکندر، حبیب رضایی، امیر آقایی و بهناز جعفری بازیگرانی هستند که «خاک سرخ» بازی کردند.

گلهای گرمسیری، داستان زوج جوانی که به خرمشهر گره می‌خورد

محمدمهدی عسگرپور که از جمله کارگردانی است که در سینما و تلویزیون به صورت همزمان فعالیت می‌کند، سال ۸۷ سریالی را با نام «گل های گرمسیری» روانه آنتن شبکه یک سیما کرد. او در این مجموعه داستان زوجی جوان به نام ناهید و رسول را در بستر روزهای نزدیک به آغاز جنگ روایت کرده است که رسول پس از تعطیل دانشگاه‌ها به دلیل انقلاب فرهنگی روانه خرمشهر برای دفاع از کشور خود می‌شود. ناهید هم پس از مدتی به او پیوسته و ماجراهای مختلفی را از سر می‌گذراند که در نهایت دامنه آن به بخش‌های زمان حال و دهه ۸۰ نیز کشیده می‌شود. آتیلا پسیانی، بهنوش طباطبایی، اشکان خطیبی، پرویز فلاحی پور و روانک بونسی بازیگران شاخص این سریال هستند.

در چشم باد، روایتی کوتاه اما تاثیرگذار

یکی از سریال‌های شاخصی که به آزادسازی خرمشهر می‌پردازد، «در چشم باد» به کارگردانی مسعود جعفری جوزانی است، فیلمی که زندگی شخصیت اول این فیلم به نام بیژن (با بازی پارسا پیروزفر) را از زمان قیام میرزا کوچک خان که کودک بوده است به تصویر می‌کشد تا زمان میانسالی‌اش که برای یافتن پسرش راهی خرمشهر می‌شود. در واقع با وجود آنکه جنگ تحمیلی ایران و عراق و آزادسازی خرمشهر بخش پایانی این سریال عظیم را تشکیل می‌دهد اما جوزانی به خوبی صحنه‌های جنگی را به تصویر کشیده است، صحنه هایی که فراتر از یک سریال تلویزیونی و سینمایی هستند. او ضمن نمایش نابرابری های جنگ ایران و عراق، خشونت و زشتی‌های جنگ را مقابل دیدگان مخاطب قرار می‌دهد که همین مسئله باعث شده است تا نام این سریال تا امروز در میان ماندگارترین آثار درباره آزادسازی خرمشهر به چشم بخورد. سکانس آخر «در چشم باد» بیژن را به خرمشهر آزاد شده و در نهایت به پسرش می‌رساند در حالی که ترکشی سرگردان قلیش را هدف قرار داده است. این سکانس غم‌انگیز شاخص‌ترین صحنه سریال است که در ادامه روند مجموعه به جان‌فشانی‌های اسطوره‌های ایرانی اشاره دارد.

کیما، طولانی‌ترین سریال تلویزیون با نگاهی به آزادسازی خرمشهر

جواد افشار سال ۹۴ سریالی را با نام «کیما» روانه آنتن شبکه دو سیما کرد. سریالی که داستان آن حول محور زندگی دختری به نام کیما با بازی مهراوه شریفی‌نبا پیش می‌رود. این سریال که به مقاطع مختلف تاریخ معاصر ایران می‌پردازد، بخشی از داستان خود را به روزهای محاصره خرمشهر و مقاومت جانانه مردم اختصاص داده است و خانواده کیما که خرمشهری هستند در زمان محاصره این شهر به دفاع از خاک خود می‌پردازند و صحنه های جالب و خاصی را مقابل دیدگان تماشاگران قرار می‌دهند. از دیگر ویژگی‌های این سریال ایفای نقش محمد جهان‌آرا برای اولین بار توسط حامد بهداد است که با واکنش‌های متعدد و متفاوتی همراه شد. «فقهی برای پرواز» و «مینو» هم از دیگر سریال‌ها و «بزرگ‌مرد کوچک» از جمله فیلم‌هایی هستند که تا حدود زیادی به خرمشهر اختصاص داشتند.

شنبه ۴ خرداد ۱۳۹۸

خبرها

صدور پروانه نمایش

برای «جان‌دار»، «آشفته‌گی» و «بی‌حسی موضعی»



بخش فرهنگی– شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی برای ۳ فیلم «جان‌دار»، «آشفته‌گی» و «بی‌حسی موضعی» مجوز نمایش صادر کرد.

به گزارش روابط عمومی سازمان امور سینمایی و سمعی و بصری، شورای پروانه نمایش فیلم‌های سینمایی در جلسه اخیر که با حضور اکثریت اعضا برگزار شد، مجوز نمایش سه فیلم «بی‌حسی موضعی» به تهیه‌کنندگی حبیب رضایی و کارگردانی و نویسندگی حسین مهکام، «جان‌دار» به تهیه‌کنندگی ابراهیم طالش مجیدی، کارگردانی مشترک حسین امیری دوماری، پدram پورامیری و نویسندگی مشترک حسین امیری دوماری، پدram پورامیری و محمد داودی و «آشفته‌گی» به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی فریدون جیرانی را صادر کرد.

●●●●●

واکنش‌ها به فیلم جدید تارانتینو در کن

بخش فرهنگی– در حالی که فیلم جدید کوئنتین تارانتینو سه‌شنبه شب در جشنواره فیلم کن به نمایش درآمد و با اقبال تماشاگران روبه رو شد، بازتاب نظرهای منتقدان یک روز پس از آن منتشر شد. به گزارش اسوشیتدپرس، داستان فیلم «روزی روزگاری در هالیوود» که سال ۱۹۶۹ لس‌آنجلس را موضوع خود قرار داده است با نظرات متفاوت منتقدان روبه رو شده است.

پیتر هاول منتقد تورتوتو استار در این باره گفت: تارانتینو می‌خواست به ما داستانی درباره زندگی هالیوود در دوره خانواده منسون بگوید. در این فیلم برد بیت بهترین نقش عمرش را ایفا کرد. او شاهکار بود.

پیتر بردشو از گاردین از این فیلم به عنوان کم‌دی سیاه تارانتینویی یاد کرد و نوشت «روزی روزگاری هالیوود» برداشتی است از ماجراهای اواخر دهه شصت خانواده منسون در کالیفرنیا. فیلمی شوکه کننده و جذاب که آسمان آبی و غروب‌های طلایی لس‌آنجلس ۱۹۶۹ در آن به زیبایی تصویر شده است. تارانتینو این فیلم را با وسوسا نمایشی‌اش ساخته است. وی افزود: برد بیت در این فیلم با بی‌خیالی‌اش ما را به یاد «بازده یار اوشن» می‌اندازد.

وی در ادامه گفته است: ساکنس خونین پایانی به احتمال زیاد باعث می‌شود کل فیلم را در ذهن‌تان مرور کنید. پایانی کاملا جنجالی و عجیب که با بی‌مسئولیتی ره چه تمام‌تر و مهم‌تر از همه درخشان ساخته شده است.

اوون گل‌بیرمن، منتقد وراپتی فیلم را بهتر از «جنگوی رها شد» و «هشت نفرت‌انگیز» خواند و نوشت عناصر فیلم‌های تارانتینویی در این فیلم وجود داشت. وی این فیلم را کلاژی زیبا، عظیم، شگفت‌انگیز و دیدنی خواند که جزئیات نوستالژیک هالیوود سال ۱۹۶۹ را تصویر می‌کند. وی صحنه کشتار خانواده منسون را تارانتینویی خواند و نوشت: از نظر ریتم این سکانس شباهت زیادی به سکانس پایانی «لعنتی‌های بی‌آبرو» دارد.

منتقددلاین نوشت تارانتینو متولد شده تا فیلم‌هایی باشکوه، بی‌شرمانه، محکوم‌کننده و خنده‌دار بسازد.

منتقد مجله فیلم آنلاین حتی گفت این فیلم باید دنباله‌ای هم داشته باشد و نوشت: در دنیای تارانتینو جهان جایی رنگارنگ‌تر است. لطفاً راند دوم… با این حال بودند منتقدانی که از نبوغ تارانتینو تحت تأثیر قرار نگرفته باشند.

گریرسون منتقد اسکرین در وبسیتی نوشت: مثل بسیاری از آثار اخیر تارانتینو، این فیلم هم کار خودش را می‌کند، به طور حیرت‌انگیزی سبک خاص خود را دارد و جاه‌طلبانه ساخته شده است.

وی افزود: اما حتی خودش هم اقرار می‌کند که حتی اگر مثل چند فیلم اخیرش در میان هواداران تا حدودی موفق و تا حدودی شکست‌خورده باشد، به خودی خود یک دستاورد است. جاستین چانگ منتقد لس‌آنجلس تایمز نیز نوشت: فیلم خنده‌دار، ترسناک، ناامید کننده و هیجان‌انگیز است. ساختار فیلم عجیب و غریب است و همه از همان وقتی که تارانتینو داستان آن را نوشت پیش بینی شده بود.

خود تارانتینو روی فرش قرمز، فیلمش را با فیلم «رما» ساخته برنده اسکار الفونسو کوارون مقایسه کرد و گفت یک تکه به یادمانندی از تاریخ است، همان طور که «رما» چنین فیلمی بود… سال ۱۹۶۹ لس‌آنجلس این‌طوری بود.

دی کاپریو ۴۴ ساله نیز گفت که فیلم بازگشتی به صحنه‌های حماسی هالیوودی است؛ جذابیتی که دیگر شاهد آن نیستیم. وی افزود: همه چیز از ذهن تارانتینوی بزرگ بیرون آمده که نه تنها یکی از بهترین نویسندگان بلکه یکی از بهترین کارگردان‌های روی زمین است. برد پیت ۵۵ ساله گفت: فیلم یک نامه عاشقانه به هالیوود است و لس‌آنجلس؛ شهری که من عاشقش هستم…